



**حقوق زن و مرد در خانواده یکسان است**

صفحه ۲



**باید پر جام را مجدد بررسی کنیم**

صفحه ۱۱

**سختگوی وزارت امور خارجه:**

# اصل جانشینی بر روابط ایران و سوریه حاکم است

صفحه ۱۰

**فرمانده نیروهای دفاع رادیولوژی، شیمیایی و بیولوژیکی روسیه کشته شد**

## ترور ژنرال هسته‌ای کرملین

صفحه ۱۱



کمن، Guardian

### یادداشت

## دموکراسی ضامن ویژگی‌های رهبری و اجرای دین

- جهانگیر محمودی نژادیان**
- قسمت اول**

دیگری معرفی کند، باید نخست آن را به خوبی شناخته، بدون غرض آن را معرفی کند، سپس به نقد و ارزیابی و تشابه و تفریق آن با فلسفه‌های سیاسی و نظریه‌های دیگر بپردازد. اما چه در عرصه داخلی و چه درعرصه بین‌المللی و بوق‌های خارجی هیچ کوششی از سوی هواداران لیبرال دموکراسی و سکولاریسم و همچنین از سوی هواداران ولایت مطلقه فقیه با برداشت اَبسولوتیستی، برای تعریف منصفانه و بدون غرض از این مفهوم سیاسی بدیع (یعنی ولایت مطلقه فقیه) صورت نمی‌گیرد. مفهومی که بدون مبالغه حل‌کننده بسیاری از تناقض‌ها و تعارض‌ها میان ناسیونالیسم و آزادی، میان ایران و اَمت و بسپاری از تعارض‌های دیگر است. لذا بر اثر جهل و نادانی و غرض‌ورزی و دلسوزی‌های ناپخته وضعیت پیچیده‌ای بر کشور حاکم شده است، وضعیتی که عمدتاً ناشی از فهم غلط یا تبلیغ نادرست درباره مفهوم ولایت مطلقه فقیه است. چنانچه بسیاری از هواداران دموکراسی که از ماهیت ضد دیکتاتوری «اصل ولایت مطلقه فقیه» بی‌خبرند بدون داشتن آگاهی درست از آن، به مخالفت با آن می‌پردازند و اساساً هیچ تمایلی به فهم و شناخت آن ندارند.

بوق‌های دشمنان ایران و ایرانیان و سخنان و رفتار هواداران لیبرال دموکراسی از یک‌سو و رفتار برخی از هواداران ولایت مطلقه فقیه به شیوه اَبسولوتیستی از سوی دیگر نیز با نشر تمایلاتی که جز زبان برای ملت ایران چیزی در پی ندارند برده‌های ضحیم‌تری بر این جهل و نادانی و عدم تمایل بر این پدیده مهم می‌اندازند. البته بیشترین زبان و صدمه از ناحیه هواداران ولایت مطلقه فقیه با تعریف اَبسولوتیستی است، آنها با شور و عاطفه و ایمان دینی جاهلانه یا غرض‌ورزانه با رفتار و سخن خویش در برداشت غلط جامعه یا روشنفکران و خواص از مفهوم ولایت مطلقه فقیه دامن زده، نقش بزرگ و مهمی در افزودن مضلات و گرفتاری‌ها و پیچیدگی‌ها داشته‌اند.

شاید بتوان گفت اگر باورها و همچنین عملکرد و رفتار این گروه نبود، بسیار پیش از این غبار مظلومیت را از چهره این مفهوم می‌زدودیم. اما این جریان همچنان بدون افول و عقب‌نشینی در گسترش و تعمیق افکار و باورهای نادرست خویش در ابعاد جامعه مذهبی کوشش و فعالیت بسیاری دارد، تا آنجا که خطر آنها بیخ گوش رهبری رسیده و نسبت به آن در هفته بسیج هشدار داده است. با این توصیف برای مقابله با این جریان لازم است که به تبیین راه و روش این گروه خطرناک بپردازیم.

گروهی که در قالب اسلام و دین و با بهره‌گیری از روش‌های عرفانی و شرعی و با استفاده از چهره‌های حزب الهی و روحانی اقدام به اجرای پروژه استبدادگرایی نموده و خواهان برقراری نظام دیکتاتوری است. یعنی همان استبدادگرایی که مقام معظم رهبری در هفته بسیج فرمودند و هشدار دادند که پروژه‌ای در جهت خواست دشمنان ایران و خواست آمریکاست و حرکتی است که نهایتاً کشور را در اختیار دشمنان قرار می‌دهد.

**تعریف حکومت مطلقه**

حکومت مطلقه به معنای حکومت و ریاست مطلق العنان یک فرد بر همه امور یک کشور است. حکومت مطلقه که از واژه فرنگی (Absolutism) گرفته شده، ریشه آن اَبسولو به معنی مطلق است و در اصطلاح به حکومتی اطلاق می‌شود که یک فرد به صورت مطلق العنان بر امور یک جامعه و ملت

و کشور حکومت کند و هیچ فرد یا گروه یا ملتی حق نداشته باشد که در برابر وی به انتقاد و مخالفت بپردازد. بر اساس نظریه سیاسی اَبسولوتیسم یا حکومت مطلقه، حقوق و قدرت زمامدار نامحدود است و فرمانروا می‌تواند حتی حقوق فطری و طبیعی چون حق حیات، حق سرده نبودن، حق مالکیت و مانند این‌ها را نادیده بگیرد. لازم به یاد آوری است که در مباحث حقوقی با دلیل و منطق اثبات شده که هیچ فرد یا گروه یا حکومتی حق نادیده گرفتن حقوق فطری و طبیعی را ندارد و اسلام نیز بر ضرورت رعایت این حقوق تاکید نموده است. اما این حقوق در نظریه و روش اَبسولوتیسم نمی‌تواند مانعی برای فرمانروا به شمار آید. به عبارت دیگر پامال کردن این حقوق امری عادی و از حقوق یک حاکم مطلقه است. یک حاکم مطلقه مافوق هر قانونی از جمله مافوق قانون اساسی و در نتیجه مافوق قوانین عادی و حتی قوانین شرع است. گرچه برخی از هواداران اسلامی آن عقیده دارند که نمی‌تواند مافوق قانون شرع باشد. اما اگر حاکم تقوا و عدالت و علم و اجتهاد و شجاعت و تدبیر نداشته باشد هرآن ممکن است امکان دارد که بر اثر هوی و هوس و ترس و بی‌تدبیری و نفاق، اسباب پامال شدن احکام شرع را فراهم کند. در قرآن کریم این خطرات هشدار جدی داده شده، لذا با بزرگنمایی و تبلیغات دروغ درباره فرمانروایان مذهبی(غیر معصوم) نمی‌توان این خطرات را نادیده گرفت. برای این کار موفق نظر امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری باید حاکمیت ملی تیرومند باشد و دیکتاتوری غیر ممکن شود وگرنه قطعاً فقدان سیستم کنترل‌کننده ناشی از حاکمیت ملی اسباب عدم اجرای دین و شرع را فراهم خواهد کرد. زیرا فرمانروای مذهبی با ابزار قرار دادن روش‌هایی چون تقدیم اهم بر مهم و احکام حکومتی و مانند این‌ها، می‌تواند احکام شرع را نادیده بگیرد وچیز دیگری به نام اسلام که ناشی از هوا وهوس یا نفاق یا ترس یا ضعف‌های دیگر وی باشد را بر کشور حاکم کند. یعنی بی‌تقوایی، نفاق، ترسو بودن یا بی‌تدبیری حاکم و هوس‌ها و خواسته‌های شخصی او به نام تقدیم اهم بر مهم و احکام حکومتی، اسباب پامال نمودن شرع را فراهم نماید. این پدیده نتیجه دیکتاتوری و فقدان دموکراسی یا ضعیف بودن نهادهای حاکمیت ملی است. لذا اگر تقوا، تدبیر، شجاعت و درایت و علم درمیان باشد درموردی چون ضرورت تقدیم اهم برمهم و احکام حکومتی می‌تواند به سود شرع و دین باشد و البته ضامن این تقوا و تدبیر و شجاعت و غیره در عصر غیبت فقط و فقط دموکراسی است.

بنابراین فقط با سیستم کنترل‌کننده از سوی مردم و حاکمیت ملی مانند خیرگان رهبری که در قانون اساسی جمهوری اسلامی وجود دارد، می‌توان وجود یا عدم جود این ویژگی‌ها را در رهبر کنترل نمود و از وجود تقوا، علم، شجاعت و تدبیر وی مطمئن شد.

به شرطی که خیرگان رهبری و نهادهای حاکمیت ملی نیز از توان کافی برخوردار بوده و تعیین صلاحیت‌ها نیز بر پایه مطمئنی بسرای نمایندگی در مجلس خیرگان رهبری تحقق یابند. خیر گان رهبری و نهادهای دیگر حاکمیت ملی نیز هنگامی‌توانمند هستند که کسی برای رهبری اختیاراتی مافوق قانون اساسی قائل نبوده و توانایی‌های رهبری را غیر احصائی نداند. زیرا تحت عنوان مافوق قانون اساسی بودن یا غیر احصائی بودن اختیارات رهبری هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند به کنترل وجود ویژگی‌های لازم در رهبری بپردازد. زیرا در اَبسولوتیسم، قوانین و مقررات توسط حاکم تعیین می‌شود یا سیستمی به وجود می‌آورد که نهایتاً خواست او شکل بگیرد و به خواست او (نه به خواست شرع) قانون به وجود آید و ملت و هیچ نهادی حق مخالفت با او را ندارد.

#### چگونگی پیدایش اَبسولوتیسم

اسا درباره پیدایش اَبسولوتیسم باید گفت که در قرن پانزدهم پاپ خود را در رأس اولین سلطنت مقتدر سیاسی و روحانی قرار داده و در اینجا بود که فرضیه اَبسولوتیسم جامه واقعی و عملی بر تن پوشید. یعنی اساس و شروع اَبسولوتیسم از مذهب و دستگاہ روحانیت آغاز شد. زیرا زمینه‌های آن در مذهب انحرافی یا ریشه گرفته از باورهای جاهلانه از مذهب نادرست از مذهب است. در مذهب شیعه، رهبری و حکومت در حضور رهبر معصوم (ع) به او اختصاص دارد. زیرا علم، تقوا، شجاعت، تدبیر، عدالت و حکمت وی تضمین شده و مذهب بسیار بیشتر از عدم حکومت آن خواهد شد. لذا بر صورتی می‌توان رهبری مذهبی بر امور کشور حاکم باشد که علاوه بر علم و اجتهاد او از تقوا و عدالت و سیاست و تدبیر و شجاعت وی مطمئن باشیم. در غیر این صورت خطر حکومت مذهبی بسیار بیشتر از عدم حکومت آن خواهد شد. لذا بر پایه مسئولیت‌هایی که مردم در نظام اسلامی دارند با ساز و کارهای مناسبی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعبیه شده «نظام اَمت وامامت » را از طریق حاکمیت ملی می‌کنند. اینن نظام تضمین‌کننده وجود ویژگی‌های مورد نیاز رهبری چون، تقوا، عدالت، تدبیر و شجاعت است. اما در روش اَبسولوتیسم که اساس آن از مذهب به وجود آمد، برای رهبری قدرتی مطلقه قائل شده بودند بدون اینکه، تقوا، عدالت، تدبیر و شجاعت حاکم مطلق شده باشد. این شیوه را که پاپ و مسیحیان آغاز کردند، بعدها نیز سمرشق کامل و نمونه اصلی برای اَبسولوتیسم مانرشیک یعنی قدرت مطلقه سلطنت (پادشاهی) قرار گرفت. طرفداران سلطنت پاپ حقوق وی را برای سلطنت روحانی و سیاسی بر مردم، حقوق الهی و آسمانی پنداشته و چنین استدلال می‌کردند که «مخال اَمت و بتوان قدرت اعظم و سلطه‌ای را که برای حکومت برجامعه لازم است به خود جامعه واگذار کرد و باید به شخصی سپرد که در رأس جامعه قرار دارد.» گاهی اَبسولوتیسم بر حکومتی اطلاق می‌شود که حکومت دارای قدرت مطلقه و نامحدود باشد اعم از اینکه حکومت در دست یک نفر باشد یا چند نفر و یا شامل تشکیلاتی ثابت باشد که در تحت دستور یک زمامدار اداره شود. (پاسارگاد، بهاءالدین-مکتب‌های سیاسی). این شیوه پس از افول قدرت کلیسا و در هنگام نبرد سیاسی پادشاهان با کلیسا معروف به دوره روشننگری توسط پادشاهان اروپا تقلید و اجرا شد. البته هدف پادشاهان از این روش بیرون آوردن قدرت از دست کلیسا بود، یعنی پس از آنکه به دلیل جنگ‌های صلیبی قدرت به صورت مطلق در دست کلیسا بود، پادشاهان کوشیدند تا با این روشی که کلیسا خود پدید آورنده آن بود قدرت را از دست کلیسا و پاپ خارج کنند.

همچنین این روش تقریباً توسط پادشاهان ایران اجرا می‌شد تا اینکه به شکل بسیار شدید و گسترده‌تری در دوره رضا شاه اجرا شد و در دوره محمدرضاشاه نیز پس از کودتا این شیوه به کار گرفته شد. در دوران این دو پادشاهان حکومت به ظاهر پارلمانی بود اما به جز مقطع پیش از کودتای محمدرضا شاه (آن هم به صورت نیم بند و البته به علت ضعف توانایی‌سی وی) در تمام دوران حکومت پهلوی‌ها نمایندگان مجلس شورای ملی با اسم و نشانی از نسوی شاه معرفی می‌شدند و نمایندگان واقعی مردم نبودند. بلکه به دستور شاه از صندوق در یک نمایش مسخره بیرون می‌آمدند.

**تعریف ولایت مطلقه فقیه**

اما برای توضیح بیشتر از ولایت مطلقه فقیه و تفاوت آن با حکومت مطلقه نیازمند به تعریف آن هستیم. در این باره می‌پرسیم که آیا تعریفی که از ولایت مطلقه فقیه می‌شود

همان است که بزرگانی چون مرحوم آیتالله مصباح یزدی(ره) که رهبر پایداری چی‌ها و خالص‌سازان بود از آن ارائه داده اند، یعنی تعریفی که تقریباً مشابه با تعریف از اَبسولوتیسم و حکومت مطلقه است، یا دارای تعریفی است که امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری از ولایت مطلقه فقیه ارائه نموده‌اند. تعریفی که البته مخالف با دیکتاتوری و اَبسولوتیسم است. در این باره باید گفت که برخی نسکات و تعریف‌های آیتالله مصباح یزدی(ره) موافق و همسو با نظر امام و مقام معظم رهبری است، مانند اینکه ازمنظر ایشان اطلاق در ولایت مطلقه فقیه، همان «اطلاق» دربرابر «قیدی» است که فقهای عظام درباره حکومت فقیه مطرح می‌کنند و ربطی به حکومت مطلقه و اَبسولوتیسم ندارد. زیرا در میان فقها در باره اختیارات فقیه در زمان غیبت امام معصوم (ع) اختلاف است. برخی مانند امام خمینی(ره) به اطلاق ولایت اعتقاد دارند به این معنا که ولی فقیه کلیه اختیاراتی که امام معصوم(ع) در زمان جهاد ابتدایی، برای ولی فقیه نیز وجود دارد. به این دلیل است که حکومت کند اما ازسوی دیگر عقیده داشته باشیم که اختیاراتی که امام معصوم(ع) برای حکومت کردن (به جز موارد ویژه استثنائی) دارد، همان موارد و اختیاراتی است که یک حاکم اعم از مسلمان و کافر به آن نیاز دارد. به عبارت دیگر مطلق همه اختیاراتی است که هر حکومتی درجهان برای اداره مملکت خویش حتی دموکراتیک‌ترین حکومت‌ها باید داشته باشد. لذا درست نیست بگوییم که برقیه واجب است که حکومت کند اما ازسوی دیگر عقیده داشته باشیم که از انجام برخی کارها که هر حاکمی(اعم ازمسلمان وکافر) و در دموکراتیک ترین حکومت‌ها برای انجام وظایف حکومتی به آن نیاز دارد محدود شده و محروم باشد. دوم اینکه از منظر مرحوم مصباح(ره) ولایت مطلقه فقیه، حکومت قانون است. یعنی فقیه حاکم حق ندارد که خواسته‌ها و نفسانیت خویش را ملاک حکومت قرار دهد بلکه باید احکام شرع و دین را اجرا کند. البته در مواردی مانند تقدیم اهم برمهم می‌تواند احکام اولیه را آن هم به خاطر اسلام و مصالح مسلمین نادیده بگیرد، اما عمده وظایف رهبری اجرای احکام شرعی است. باید گفت دو مورد و دو دلیل فوق مورد تأیید امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری است و دیدگاهی صحیح و اسلامی برای اجرای دین و نظام اسلامی به شمار می‌رود.

اما اینکه گفته می‌شود درست است که رهبر حق دارد در همه موارد اختیاراتی داشته باشد و برای وی قائل به «اطلاق» در اختیارات هستیم نباید باعث این سوء تفاهم سوء برداشت شود که برای وی قائل به اختیاراتی مافوق قانون اساسی و اختیاراتی بیش از اختیارات رهبری مندرج در قانون اساسی بشویم و به اصطلاح اختیارات و توانایی‌های وی را در قانون اساسی تمثیلی خوانده و در اصل اختیارات و توانایی رهبری را غیر احصائی خوانده و بگوییم اگر می‌خواهیم به اطلاق ولایت پای‌بند باشیم باید برای امام جامعه عقیده داشته باشیم که باید اختیاراتی مافوق قانون اساسی و غیراحصائی داشته باشد.

زیرا اولاً: به طور مستقیم و غیر مستقیم کلیه اختیارات و توانایی‌های مورد نیاز رهبری (یعنی به صورت اطلاق) در قانون اساسی آمده است و هیچ اختیاری نیست که در آن ذکر نشده باشد و ثانیاً: به نحوی با استفاده از روش دموکراتیک و با بهره گیری از نهادهای حاکمیت ملی و با شیوه «اَمت وامامت» سازمان قانون اساسی طراحی شده که هیچ رهبری نتواند بدون داشتن تقوا، شجاعت، تدبیر و علم بر مصدر امور بنشیند یا اینکه اگر آن صفات را از دست داد، نتواند حکومت خویش را ادامه دهد، زیرا نداشتن این صفات یعنی اینکه نتوانیم آمیدی به اجرای اسلام وقانون اسلام داشته باشیم.

در راستای بیانات مقام معظم رهبری در هفته بسیج برای مقابله با دیکتاتوری و عواملی که کوشش می‌کنند در این کشور برای منافع آمریکایک، زمینه‌های دیکتاتوری را بسازند و شرایط تحقق آن را فراهم کنند، تا سلطه دشمنان اسلام و ایران بر کشور محقق شود، به بحث تفاوت ولایت مطلقه فقیه با حکومت مطلقه (Absolutism) می‌پردازیم.

لازم به ذکر است که چنانچه از فحوای کلام مقام معظم رهبری بر می‌آید دموکراسی ضامن ویژگی‌های ولی فقیه از جمله تقوا، علم و اجتهاد، تدبیر و شجاعت است که بدون آن یعنی در دیکتاتوری ضمانتی برای وجود این ویژگی‌ها در میان نیست، در نتیجه اجرای دین و احکام دینی را نیز به خطر می‌اندازد و از جمله زمینه برای سلطه دشمنان اسلام و ایران مانند آمریکا را بر کشور فراهم خواهد کرد.

در این باره لازم به ذکر است که در نوشتار پیشین با عنوان «حکمرانی خوب از منظر مقام معظم رهبری در تقابل با اَنارشیسم و دیکتاتوری» که به زور طبع آراشته شد، و در روزنامه وزین مردم سالاری درج شد، سیاست رهبر حکیم انقلاب در چپنش نامزدهای انتخاباتی را خصوصاً در تقابل با دیکتاتوری، اقدام به رأی نیاوردن برخی بیان نمودم. بر آنجا توضیح دادم که تلاش رهبری خصوصاً معطوف بر رأی نیاوردن دکتر جلیلی بود وعلت آن جلوگیری از توطئه دیکتاتوری به نام اسلام و شرع را عنوان کردم. اما می‌دانم برخی برپایه تعصبات یا جهل و برخی نیز بر پایه اغراض خاص خویش باور نمی‌کنند که هدف و نقشه رهبری از رأی نیاوردن جلیلی و رأی آوردن پزشکیان مقابله با دیکتاتوری بوده است.

چنانچه انتظار رهبری از پزشکیان مقابله با اَنارشیسم با توجه به ویژگی‌های مذهبی وی نیز می‌باشد. درباره نقش پزشکیان در تقابل با اَنارشیسم در نوشتار دیگری خواهم پرداخت. اما در این نوشته می‌کوشم تا ثابت کنم منظور رهبری از جریان استبداد طلب و دیکتاتوری‌خواه، همان جریان جلیلی و خالص‌سازان و جریان پایداری‌چی‌ها است. برای این کار در مطالب ذیل نشان خواهم داد که جریان خالص‌ساز و پایداری‌چی‌ها در پی اَبسولوتیسم و حکومت مطلقه به نام ولایت مطلقه فقیه است.

اَبسولوتیسم که جریان خالص‌ساز می‌کوشد تا ولایت مطلقه فقیه را بسنان آن معرفی کند، از مظاهر بسیار آشکار دیکتاتوری است. فریب و برداشت سوء از این مفهوم از آنجا آغاز می‌شود که واژه «مطلقه» در هر دو پدیده و نظریه سیاسی اسباب مغالطه و سوء استفاده دو جریان سیاسی را فراهم کرده که هر دو با نظام جمهوری اسلامی زاویه و مخالفت دارند.

این دو گروه، یکی گروهی مانند هواداران لیبرال دموکراسی و دوستداران نظام سکولار و گروه دیگر که به گمان خویش برای دفاع از اسلام و ولایت مطلقه فقیه در مخالفت با مردم سالاری هستند یا از آثار سوء دموکراسی و مردم سالاری (البته به شیوه لیبرال دموکراسی) می‌ترسند، این نظریه و شیوه حکومت‌داری مذهبی (یعنی نظام ولایت مطلقه فقیه) را بمانند حکومت مطلقه (Absolutism) معرفی می‌کنند.

این گروه‌ها یا از روی نادانی یا به علت غرض ورزی و یا دلسوزی برای اسلام و نظام اسلامی سعی می‌کنند که دقیقاً چهره‌ای دیکتاتورنمیش و خواشان حکومت مطلقه از ولایت مطلقه فقیه به تصویر بکشند. این گروهی خواهد از موضوعی انتقاد در حالی که اگر قدرت یا گروهی بخواند از موضوعی انتقاد کند یا آن را بسنان حکومت مطلقه و اَبسولوتیسم یا چیز